

بررسی ویژگیهای محتوایی کتاب *حملة حیدری راجی*

یحیی طالبیان

مهین ایرانمنش

مقدمه

حماسه، نوعی از اشعار وصفی است که مبتنی بر توصیف اعمال پهلوانی و قهرمانیها و افتخارات قومی یا فردی است؛ به نحوی که شامل مظاهر مختلف زندگی آنان باشد.^۱

حماسه برحسب موضوع به حماسه اساطیری، حماسه پهلوانی، حماسه تاریخی، حماسه دینی یا مذهبی و حماسه عرفانی قابل تقسیم است.^۲ کتاب *حملة حیدری راجی* از حماسه‌های دینی و مذهبی است.

آثار حماسی، همانند دیگر انواع ادبی، دارای ویژگیهای سبکی خاص خود است؛ این ویژگیها، از سه چشم‌انداز قابل بررسی است: ویژگیهای زبانی یا لفظی، ویژگیهای ادبی و ویژگیهای محتوایی. ویژگیهای زبانی یا لفظی، در سه سطح: آواها، لغات و قواعد نحوی قابل بررسی است؛ ویژگیهای ادبی نیز شامل بررسی آرایه‌هایی نظیر: تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، اغراق، توصیف، تشخیص، تجسم، اسناد مجازی و مواردی از این قبیل است.^۳

آنچه در این مقاله مد نظر است، بررسی ویژگیهای محتوایی حماسه است که موارد بسیاری را شامل می‌شود؛ نظیر: کین‌خواهی و انتقام، جنگ تن به تن، اذن‌خواهی از فرمانده برای جهاد با

دشمن، مبارز و حریف‌طلبی، مفاخره و رجزخوانی، نام‌خواهی و نام‌پوشی، تحقیر حریف، شجاعت و دلاوری، ترس و بیم، چاره‌اندیشی و تدبیر و سیاست، بازداشتن و منع کردن فرد از جنگ، دعوت به دین قبل از نبرد، امان و زینهار طلبیدن، نام و ننگ، فرار از میدان جنگ، اطاعت، حمایت و دفاع از دین، خشم و غضب، جوانمردی و مردانگی، توکل بر خداوند و تسلیم در برابر سرنوشت و قضا و قدر، شهادت، فرمان دادن (فرماندهی)، صف‌آرایی و آرایش سپاه، لشکرکشی، برافراشتن لوا و پرچم، رزم و بزم، سوگواری و زاری بر کشته‌شدگان در جنگ، جنگ نابرابر، اسیر گرفتن، پیشگویی، حضور نیروهای غیبی و متافیزیک در جنگ، تکبیر، پیمان صلح، غنایم جنگی، فرستادن قاصد و پیک نزد سپاه مقابل و استقبال از سپاه پس از بازگشت از میدان نبرد.

از مجموع ویژگی‌های محتوایی ذکر شده، برخی ویژگی خاص حماسه‌های دینی، نظیر کتاب *حملة حیدری راجی*، هستند. از جمله: دعوت حریف به دین اسلام قبل از آغاز نبرد، حمایت و دفاع از دین، توکل بر خداوند و یاری خواستن از وی و تسلیم در مقابل قضا و قدر الهی، شهادت، حضور ملائکه و نیروهای غیبی در میدان نبرد و تکبیر پس از پیروزی. در این نوشته، به معرفی و بررسی مهم‌ترین این ویژگی‌ها در کتاب حماسی *حملة حیدری* خواهیم پرداخت.

کین‌خواهی و انتقام

زمینه‌ساز بسیاری از جنگ‌ها در طول تاریخ، کین‌خواهی و انتقام افراد و گروه‌ها از یکدیگر بوده است. این ویژگی به‌طور واضح در همه جنگ‌هایی، که شرح آنها در کتاب *حملة حیدری راجی* آمده است، دیده می‌شود. به‌عنوان مثال: هنگامی که علی (ع) بت‌های مکه را در فتح این شهر شکست، کفار مکه به کین‌خواهی از پیامبر (ص) و سپاه اسلام برمی‌آیند. چنان‌که راجی گوید:

| | |
|------------------------------|-------------------------------|
| همه بهر عزّی و ود، کینه‌جو | به‌سوی پیمبر نهادند رو |
| ز بهر خدایان خ»ود جان نثار | زهر شهر و هر قریبه و هر دیار |
| دلیران و شیران زجان شسته دست | به خون‌خواهی لات و ود پای بست |
| ز بهر خدایان خود پر ستیز | کشیده به‌سوی خدا تیغ تیز |



(ص ۲۴۲)

جنگ تن به تن

یکی از ویژگیهای محتوایی آثار حماسی، نبرد تن به تن میان دو پهلوان سرشناس از دو سپاه است، که در ضمن این عمل، بسیاری از ویژگیهای محتوایی دیگر را می‌توان مشاهده کرد؛ نظیر: مفاخره و رجزخوانی، ترس و بیم یا شجاعت و دلآوری، نام‌خواهی و نام‌پوشی، تدبیر و سیاست و چاره‌اندیشی، دعوت حریف به دین خود قبل از آغاز نبرد و ...

| | |
|-------------------------------|-----------------------------|
| عبیده سوی شبیه گردید تنگ | فرو درکمر بند او برد چنگ |
| همی خواست کو را رباید ز زین | کشید از کمر، شبیه شمشیر کین |
| سر تیغ زد برکمر گاه او | عبیده ز تیغش برآمد به رو |
| به خاک اندر افتاد و بسپرد جان | روان شد سوی داور داوران |

(ص ۸۳)

ابیات فوق نبرد تن به تن میان عبیده و شبیه را در جنگ بدر بیان می‌دارد که به شهادت عبیده می‌انجامد.

مفاخره و رجزخوانی

پهلوانان حماسه قبل از آغاز نبرد، هنگامی که در مقابل سپاه دشمن یا حریفی از سپاه دشمن قرار می‌گرفتند، ضمن معرفی خویش، به بیان شجاعتها و دلاوریها و پیروزیهایی که در گذشته داشتند، می‌پرداختند؛ از خود تعریف و تمجید و از نیاکان خود به بزرگی یاد می‌کردند و به تحقیر و تمسخر حریف می‌پرداختند. این ویژگی در کتاب *حملة حیدری راجی*، نمود فراوانی دارد؛ که در ابیات زیر، مفاخره و رجزخوانی شبیه در مقابل علی (ع) در جنگ بدر دیده می‌شود:

| | |
|-----------------------------|------------------------------|
| که بس نامداران کند آوران | که از رزم من شد ز تشنان روان |
| منم آنکه از تیغ من، روز جنگ | گریزد ز دریا به خشکی نهنگ |
| گریزند شیران بطحا زمین | ز بیمم به بنگاه، هنگام کین |



منم آنکه چون تیغ آرم به دست
 به بهرام و کیوان در آرم شکست
 (ص ۸۴)

نام خواهی و نام پوشی

در نبردهای حماسی بسیار اتفاق می‌افتاد که پهلوانی، از حریف نامش را می‌پرسید. حریف نیز گاهی نام حقیقی خود را پنهان می‌کرد، که به این عمل، نام خواهی و نام پوشی می‌گویند. این عمل ریشه در اعتقادات جادویی اقوام کهن دارد و در اساطیر و حماسه‌های کهن نیز متجلی شده است. عقیده چنین بود که اگر فردی نام فردی را بداند، به این معنی است که او را به درستی و به طور کامل می‌شناسد؛ بنابراین بر او احاطه و تسلط خواهد یافت.^۴ در اندیشه‌های اسطوره‌ای، میان بود و نبود، میان ذهنیت و عینیت، میان شیء و تصویر آن، میان مرده و زنده، نام فرد و خود فرد، سایه فرد و خود فرد، تفاوتی قائل نیست و از کشف قوانین کلی حاکم بر پدیدارها ناتوان است. بنابراین در اندیشه اسطوره‌ای، نام شخص با خود او یکی است و به همین دلیل است که وقتی اشکبوس نام رستم را از او می‌پرسد، رستم بیم دارد که نام خود را بگوید؛ به همین دلیل، نام خود را «مرگ تو» معرفی می‌کند؛ تا بر حریف چیره شود.^۵

این ویژگی در *حملة حیدری راجی* دیده می‌شود و آن هنگامی است که یکی از سپاهیان روم در جنگ موته، از جعفر طیار، برادر علی (ع)، نام او را می‌پرسد و جعفر نام خود را از وی پنهان می‌دارد:

نخستین پرسید نام تو چیست
 تو را خویش و پیوند ز اعراب کیست
 چنین داد پاسخ که نام و نشان
 چه پرسى که بر تو سر آمد زمان
 (ص ۲۲۴)



نام و ننگ

مقصود از نام، آن چیزی است که از انسان برجای می‌ماند و به‌درستی که آنچه بزرگان، تحت عنوان زیست جاوید از آن یاد می‌کنند، همان پیوستگی و دوام نام ماست.^۶

در شاهنامه فردوسی، رستم نماینده نام است. نزد او هرچه هست و نیست، به نام بازمی‌گردد؛ زیرا زیستن بدون آن ارزش ندارد و باید از آن دفاع کرد، حتی به بهای بزرگ‌ترین گذشت و فداکاریها. هدف زندگی این نیست که زندگی خوش بگذرد یا ناخوش؛ اصل آن است که در خدمت خوبی و باقی ماندن نام نیک از انسان صرف شود.^۷ نام شیشه عمر مرد آزاده است؛ که اگر برخاک افتد این عمر خودبه‌خود به سر آید و مایه ننگ او شود.^۸

ملا بمانعلی کرمانی، در حمله حیدری، نمونه‌های فراوانی را از این ویژگی آورده است. ابیات زیر نمونه‌ای از این ویژگی است که ابوسفیان خطاب به سپاه فراری خویش در جنگ احد گفته است:

| | |
|---------------------------------|------------------------------|
| چه خوش گفت دانا، که مردن به نام | به از زنده و دشمن شادکام |
| اگر کشته گردیم یک سر به جنگ | بود بهتر از زشت، این زشت ننگ |

(ص ۱۰۳)

اطاعت

نخستین صفت و ویژگی لازم برای هر مبارز، به‌ویژه پهلوان مسلمان، اطاعت از فرمانده خویش است؛ که باید از دل و جان امر وی را بپذیرد و در مقابل او سر تسلیم فرود آورد. نمونه بارز چنین شخصیتی در حمله حیدری راجی، قاسم بن حسن (ع) است؛ که اطاعت از امر امام حسین (ع) را بر خود فرض می‌داند.^۹ علاوه بر وی، نام پهلوانان مسلمان بسیاری در این کتاب آورده شده است که دستور فرمانده و رهبر خویش را با دل و جان اطاعت می‌کند:

| | |
|------------------------------|-----------------------------|
| به درگاه تو، آن کمین بنده‌ام | که برخاک پایت سرافکنده‌ام |
| تن و جان من زیر فرمان توست | به هرجا، نثار تن و جان توست |

(ص ۲۴۰)

ابیات فوق، اظهار اطاعت علی (ع) از رسول اکرم (ص) را بیان می‌دارد. در ابیات زیر نیز فرمانبری اهل بطحا، پس از مسلمان شدن، از پیامبر (ص) دیده می‌شود:

| | |
|------------------------------|----------------------------|
| بزرگان نهادند بر خاک، سر | که بر ما تویی داور دادگر |
| تن و جان ما زیر فرمان توست | دل و دین، یکسر گروگان توست |
| همه هرچه گویی تو، فرمان بریم | ز فرمان تو یک نفس نگذریم |

(ص ۲۵۵)

خشم و غضب

خشم و غضب، عارضه‌ای روحی است که گاهی انسان به آن دچار می‌شود و در اسلام تأکید شده است که مسلمانان از آن پرهیزند و در صورت بروز خشم، آن را فروخورند. خشم و غضب حالتی است که اغلب بر سپاهیان، هنگام جنگ مسلط می‌شود.

پهلوان باید بداند که چه وقت نرمی و فروتنی به کار برد و چه هنگام از درشتی کردن و خشم و غضب بهره ببرد؛ زیرا نرمی و درشتی، دو صفت شایسته و لازم برای هر پهلوانی است که مکمل یکدیگرند نه متضاد با هم. به‌طور مثال، هیچ پهلوانی نمی‌تواند تحمل نظرهای نادرست و تحقیرهای حریفش را بکند؛ پس در این مواقع به خشم و غضب متوسل می‌شود.^{۱۰}

در ابیات ذیل، خشم و غضب علی (ع) از گفتار ولید در جنگ بدر مشاهده می‌شود:

| | |
|---------------------------------|----------------------------|
| شهنشه چو گفتار او را شنفت | به پاسخ خروشی برآورد و گفت |
| که چندی چه گویی تو ای نابکار | نداری زگفتار خود هیچ عار |
| اگر زنده خواهی که مانی به جا | خدای نبی را پرستش نما |
| وگر نه از این دست و این تیغ تیز | بینی هم‌اکنون خود رستخیز |

(ص ۸۱)



توکل بر خداوند، تسلیم در برابر سرنوشت و قضا و قدر

بعضی محققان معتقدند که در حماسه، شرایط و حوادث خارجی، به اندازه اراده قهرمان، در پیش‌بردن جریان مؤثر هستند. آنچه در حماسه روی می‌دهد بر اثر ضرورت است؛ ضرورتی باطنی که طبق آن، هیچ چیز به میل فرد واگذار نمی‌شود؛ بلکه فرد باید تسلیم این موقعیت اساسی شود. آنچه اتفاق افتاده، سرنوشت معین کرده است. پیروزی یا شکست قهرمان، زندگی و مرگ او در دست تقدیر است.^{۱۱} این گروه برای اثبات ادعای خود، معتقدند که در رزم رستم و سهراب، این سرنوشت بود که دروغ را به رستم تلقین کرد و به مرگ فرزندش انجامید. این همان سرنوشت است که جریان کارها را سریع‌تر می‌کند.^{۱۲}

بیشتر محققان عقیده دارند که تنها سرنوشت در پیش‌بردن جریانها سهم نیست؛ بلکه کار و کوشش افراد نیز در حماسه، زمینه‌ساز شکست یا پیروزی آنها خواهد بود. در حماسه حیدری راجی، به دلیل ماهیت مذهبی‌اش، شاهد حضور پهلوانان مسلمان و باایمانی هستیم که کار و کوشش و مجاهدت را با توکل بر خداوند و اعتقاد به قضا و قدر الهی عجین کرده‌اند. چنان‌که قاسم بن حسن (ع)، سردار رشید دشت کربلا، با شجاعت کامل و با مجاهدت بسیار با دشمن نبرد می‌کند تا هنگامی که در محاصره سپاهیان سنگدل عمر سعد قرار می‌گیرد. آن هنگام بر خداوند توکل می‌کند و کار خود را به وی وا می‌گذارد تا خداوند متعال، او را به آنچه مصلحت وی در آن است، رهنمون سازد:

| | |
|-----------------------------|---------------------------|
| چو شد کار او بسته از چارسو | به‌سوی خداوند خود کرد رو |
| به‌سوی خداوند چون رخ نمود | خداوند بر روی او رخ بسود |
| ز پندار، بس پرده‌ها را درید | نگار پس پرده، بی‌پرده دید |

(ص ۷۶)

شهادت

تقابل و ستیز دو اصل خیر و شر در حماسه ملی ایران، به صورت تقابل و تضاد دو گروه نژادی متخاصم، متجلی شده است، که در روایات حماسی اوستا، با نامهای ایرانی و انیرانی و در شاهنامه

فردوسی با عناوین ایرانی و تورانی یاد شده است؛ که خصومت دیرین و موروثی این دو قوم، در واقع زمینه اصلی حماسه ملی ایران محسوب می‌شود. و مطابق برداشت ثنویت، از این دو یکی همه نیک و خجسته و اهورایی و دیگری، نکوهیده و اهریمن است. که دشمنی و جنگ آن دو، انعکاسی است حماسی از کارزار مداوم مظاهر نیکی و بدی در اساطیر دینی و پیروزی نهایی در پایان نبرد، از آن اهورامزداست و در شاهنامه در نهایت به پیروزی شهریار ایران یعنی کیخسرو می‌انجامد.^{۱۳}

در کتاب *حملة حیدری راجی*، که حماسه‌ای مذهبی است، به عوض دو گروه خیر و شر، با دو گروه مشابه، به نام گروه حق و گروه باطل روبه‌رو هستیم. گروه حق مؤمن به اسلام و مطیع امر خداوند و پیامبر (ص) هستند؛ و گروه باطل پایبند عقاید خرافی و شرک‌آلوداند و از ستم و ظلم کردن در حق مظلومان ابایی ندارند. گروه حق جنگ با کفار و گروه باطل را جهاد در راه خدا می‌دانند و شهادت در نزد ایشان بهتر از مردن در بستر است چنان‌که علی (ع) قهرمان اصلی حماسه راجی در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «همانا، گرامی‌ترین مرگها کشته‌شدن در راه خداست. بدان‌کس که جان پسر ابوطالب در دست اوست، هزار مرتبه ضربت شمشیر خوردن بر من آسان‌تر است؛ تا در بستر مردن».^{۱۴}

ابیات ذیل، شهادت جعفر طیار، برادر حضرت علی (ع)، را در جنگ موته بیان می‌دارد:

| | |
|----------------------------|-----------------------------|
| سپرد آن سپهدار جان آفرین | سرانجام جان را به جان آفرین |
| به صدر جنان، آشیان گسترید | ز تن در زمان، مرغ روحش پرید |
| قرین شد به دارای جان آفرین | به قرب جهان آفرین شد قرین |

(ص ۲۲۵)

رزم و بزم

یکی از ویژگی‌هایی که در آثار حماسی به‌طور مکرر مشاهده می‌شود، مجالس بزم و شادی است که در ضمن جنگها برگزار می‌شود. به‌طور مثال، در شاهنامه فردوسی، اغلب، لذتها و شادمانیها با صحنه‌های تیره جنگ و مرگ همراه است. میان دو جنگ، پهلوانان سرگرمیهای هستی را



می‌جویند و کلمه رزم و بزم که به اصطلاح چکیده فعالیت‌های پهلوانان است، کراراً در سروده فردوسی آمده است. می‌گساری، میل به شکار، نواختن آلات موسیقی، از سرگرمی‌های پهلوانان ضمن جنگها به‌شمار می‌آمد.^{۱۵}

حماسه‌ها بستر مناسبی برای بیان عشقها و خواستگاریها و ازدواجهاست. بنابراین آمیختگی رزم و بزم، یکی از ویژگیهای محتوایی حماسه است. *حملة حیدری راجی* نیز بعضی از مجالس بزم را جلوه‌گر ساخته است؛ اما در اثر راجی به دلیل ماهیت مذهبی سرگرمی‌هایی نظیر: می‌گساری، باده‌نوشی و اسراف و زیاده‌خواری دیده نمی‌شود. یکی از زیباترین مجالس بزمی، که عیناً در رزم و پیکار آمده است و ملا بمانعلی با بیانی تخیلی و شیوا آن را به شکلی مناسب پرورانده است، داستان خواستگاری قاسم بن حسن (ع) در دشت کربلا از دختر امام حسین (ع) و سپس ازدواج ایشان است^{۱۶} که در ذیل ابیاتی از آن را می‌آوریم:

| | |
|--------------------------------|----------------------------|
| وز آن پس به خواهر چنین گفت شاه | که آرای بزمی در این رزمگاه |
| دُر اشک را نُقل آن بزم کن | سرودش ز شور و شر رزم کن |
| در آنجا کسی مجلس آرا نبود | نواخوان آن بزم پیدا نبود |
| بیاراست مجلس خدای جلیل | نواخوان آن بزم شد جبرئیل |
| در آن دشت گریان چو آن عقد بست | به عقد دو گیتی برآمد شکست |

(ص ۶۷)

سوگواری و زاری بر کشته‌شدگان در جنگ

گریه و زاری بر کشته‌شدگان در جنگ، نقطه مقابل بزم و شادی است که در آثار حماسی نمود بیشتری دارد. گریه و زاری بر مردگان از دیرباز در ایران مرسوم بود که در اوستا منع شده است؛ اما مردم ایران، همچنان بر عزیزان از دست‌رفته خود گریه می‌کردند و بعد از گرویدن به اسلام نیز سالها با سرودهای مخصوص و با روش خاص خود برای از دست‌رفتگان اساطیر پیشین، از جمله سیاوش، سوگواری می‌کردند.^{۱۷}

دیلمان شیعه مطابق آیین خویش برای شهید کربلا، امام حسین (ع) و یارانش عزاداری، می‌کردند که نخستین دسته مذهبی بزرگی بودند که به این کار اقدام کرده‌اند و نام آنها در تاریخ ثبت شده است. در زمان آنها سرودخوانی و گریستن مغان به نوحه‌خوانی بدل شد که تعزیه ثمره و نتیجه بعدی آن بود.^{۱۸}

در *حملة حیدری راجی* نیز سوگواری بر کشته‌شدگان جنگ، جلوه فراوان دارد. در سوگواری شهربانو بر شهادت همسرش، امام حسین (ع)، این مطلب دیده می‌شود:

| | |
|-----------------------------|-----------------------------|
| نوان زان میان بانوی شاه دین | خراشید روی و پر از خون جبین |
| ز سر باره و تاج بر خاک زد | به تن جامه خسروی چاک زد |
| به پای سمنند شهنشاه سر | همی سود، از دل همی زد شرر |
| دو گیسو که بر ماه بودی نقاب | فتادی از او سایه بر آفتاب |
| به انگشت پیچید و از سر فکند | به پای سمنند شهنشه فکند ... |

(ص ۱۲۹)

پیشگویی

یکی از مسائل مهم در آثار حماسی نظیر شاهنامه فردوسی، حدیث پیشگوییهاست. در شاهنامه، بسیاری از وقایع بزرگ تاریخی به یاری موبدان و ستاره‌شناسان و خواب‌گزاران، معلوم رای شاه و پهلوان می‌شود. درباره پیشگویی، ایرانی و ترک و رومی و عرب، همه یکسان‌اند.^{۱۹} پیشگوییها اغلب براساس طالع‌بینی و خواب‌بینی بیان می‌شد. به‌هنگام زادن یا قبل از ازدواج، اخترشناسان با استفاده از اسطرلاب و بررسی صور فلکی، طالع خوش یا ناخوشی برای افراد پیش‌بینی می‌کردند.^{۲۰}

در کتاب *حملة حیدری راجی* نیز نمونه‌های بسیاری از پیشگویی و خواب‌بینی مشاهده می‌شود که اغلب این پیشگوییها از زبان پیامبر (ص) بیان شده است؛ زیرا ایشان از طریق وحی، با خداوند در ارتباط هستند و قبل از رخداد واقعه‌ای، از انجام آن مطلع می‌شوند و آن خبر را به

اطلاع پیروانشان می‌رسانند، که نوعی پیشگویی به‌شمار می‌آید. چنان‌که قبل از فتح خیبر خطاب به سپاه خویش می‌فرمایند:

| | |
|-----------------------------|------------------------------|
| مخوابید بسیار و دارید پاس | میارید از این رزم بر دل هراس |
| که از من بدین قلعه آید شکست | به آسانی این قلعه آید به دست |
| شما دل ندارید پر درد و غم | مباشید از کار لشکر دژم |

(ص ۱۷۲)

حضور نیروهای غیبی و متافیزیک در جنگ

در آثار حماسی در خلال داستانها، گاهی با نیروهای غیرطبیعی و فراتر از ماده روبه‌رو می‌شویم که برخی از آنها، گاهی پهلوانان را حین جنگ و بروز مشکلات یاری می‌کنند تا پیروز و موفق شوند. در شاهنامه فردوسی، شاهد نمونه‌های بسیاری از این‌گونه موجودات هستیم. نظیر: سیمرغ، سروش، دیوان، جاودان و نیروی فر که پادشاهان نسل به نسل این نیرو را از پدران خود به ارث می‌برند؛ البته برخی از پهلوانان و حتی ستاره‌شناسان نیز از این نیرو برخوردارند. افراد فرمند، تا هنگامی که نسبت به دیگران مهربان و فروتن باشند، مورد ستایش و پرستش جانوران، از دد و دام، و همچنین مورد ستایش و احترام همه انسانها هستند^{۲۱}؛ زیرا اگر دچار کبر و غرور بشوند، از نیروی فر آنها کاسته می‌شود و به تدریج این نیرو از بین می‌رود؛ نظیر جمشید که تکبر و عجب ورزید و سرانجام به دست ضحاک کشته شد.^{۲۲}

کتاب *حملة حیدری راجی*، به دلیل آنکه حماسه‌ای مذهبی و اسلامی است، نیروهای متافیزیک آن، متفاوت با حماسه‌های ملی است. در این کتاب، شاهد حضور فرشتگان و ملائکه، کرسی و عرش، حوریان و غلمان بهستی و امدادهای غیبی در جنگ به‌عنوان نیروهای متافیزیک هستیم. راجی حضور ملائکه را در جنگ صفین برای یاری لشکر حضرت علی (ع) چنین بیان می‌کند:

| | |
|------------------------------|-------------------------------|
| مکائیل و جبریل، جولان‌کنان | گرفتی به کف، گرز و تیغ و سنان |
| جهان تا جهان جمله در زیر نور | به جوشن تن آگنده، غلمان و حور |

(ص ۳۵۵)



تکبیر

از ویژگی‌های دیگر محتوایی حماسی، که در حماسه‌های ملی نظیر شاهنامه فردوسی دیده نمی‌شود و ویژگی حماسه‌های دینی به‌ویژه کتاب *حملة حیدری* است، تکبیر پس از پیروزی است. البته در موارد دیگری نیز مانند ایمان آوردن بعضی از کفار به دین مبین اسلام، استقبال پرشور مردم مسلمان از سپاه پیروزمند خویش و آغاز لشکرکشی سپاه اسلام برای نبرد با سپاه دشمن، شاهد این ویژگی هستیم، که این عمل نشانه ایمان راسخ سپاهیان اسلام به خداوند است که پیروزی خود را یاری و لطف حق می‌دانند نه نتیجه عمل خویش. به همین سبب، هرگز دچار غرور و تکبر نمی‌شوند. آنان در همه حال خدا را به یاد دارند و بر او توکل می‌کنند. ملا بمانعلی کرمانی در بسیاری موارد این ویژگی را نشان داده است، که در ذیل نمونه‌ای را ذکر می‌کنیم:

| | |
|----------------------------|--------------------------|
| بلند اندر آمد به عرش برین | به تکبیر صوت شه‌نشاہ دین |
| فرود آمد از آسمان بر زمین | توگفتی که صوت جهان آفرین |
| به تکبیر بگشود یکسر زبان | شنیدند صوتش چو کزویبان |
| زتکبیر، پیرایه عرش بست | پیمبر زشادی بر آورد دست |
| فکنده تزلزل به هامون و کوه | بزرگان دین جمله تکبیر گو |

(ص ۱۸۳)

ابیات فوق، تکبیر سپاهیان اسلام را پس از پیروزی حضرت علی (ع) بر مرحب یهودی در جنگ خیبر بیان می‌کند.

نتیجه

با بررسی ویژگی‌های حماسی کتاب *حملة حیدری راجی*، و به‌ویژه ویژگی‌های محتوایی حماسی آن که حدود ۳۶ ویژگی را شامل می‌شود، به این نتیجه دست می‌یابیم که اثر ملا بمانعلی، نیز همانند شاهنامه فردوسی و دیگر آثار حماسی برجسته، ویژگی‌های اثری حماسی را دارد و پدیدآورنده اثر سبک حماسی را می‌شناخته و به‌خوبی عناصر حماسی را در اثر خود آورده است. ویژگی‌های محتوایی کتاب *حملة حیدری راجی* عبارتند از: کین‌خواهی و انتقام، نبرد تن به تن، اذن‌خواهی از

فرمانده برای نبرد با دشمن، مبارزطلبی، مفاخره و رجزخوانی، نام‌خواهی و نام‌پوشی، تحقیر حریف، شجاعت و دلاوری، ترس بیم، چاره‌اندیشی و سیاست و تدبیر، بازداشتن و منع کردن حریف از جنگ، دعوت حریف به دین قبل از نبرد، امان و زینهار طلبیدن، نام و ننگ، فرار از میدان جنگ، اطاعت، حمایت و دفاع از دین، خشم و غضب، جوانمردی و مردانگی، توکل بر خداوند و تسلیم در برابر سرنوشت و قضا و قدر الهی، شهادت، فرماندهی، صف‌آرایی و آرایش سپاه، لشکرکشی، برافراشتن لوا و پرچم، رزم و بزم، سوگواری و زاری بر کشته شدگان در جنگ، جنگ نابرابر، اسیر گرفتن، پیشگویی، حضور نیروهای غیبی و متافیزیک در جنگ، تکبیر پس از پیروزی، پیمان صلح، غنایم جنگ، فرستادن قاصد و پیک و استقبال مردم از سپاه پیروزمند خویش.

پی‌نوشت‌ها

۱. صفا، ذیح‌الله، حماسه‌سرایی در ایران، تهران، امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۶، ص ۴.
۲. شمیسا، سیروس، انواع ادبی، تهران، فردوس، چاپ پنجم، ۱۳۷۶، ص ۵۲.
۳. همان، ص ۱۰۵-۱۰۲.
۴. همان، ص ۸۲.
۵. موقن، یدالله، مجموعه مقالات (زبان، اندیشه، فرهنگ)، تهران، هرمس، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۲۰۵-۲۰۳.
۶. رضا، فضل‌الله، نگاهی به شاهنامه، تهران، انجمن آثار ملی، چاپ اول، ۱۳۵۰، ص ۲۴۸.
۷. اسلامی ندوشن، محمدعلی، داستان داستانها (رستم و اسفندیار)، تهران، انجمن آثار ملی، چاپ اول، بهمن ۱۳۵۱، ص ۱۷۷.
۸. همان، ص ۹۸.
۹. طالبیان، یحیی، مقاله حماسه قاسم بن حسن (ع)، شهید کربلا، کرمان، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۷۶، ص ۱۰۶.
۱۰. اسلامی ندوشن، محمدعلی، زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه، تهران، انجمن آثار ملی، چاپ اول، اردیبهشت ۱۳۴۸، ص ۴۲۳-۴۲۴.
۱۱. موقن، یدالله، همان، ص ۴۷-۴۶.
۱۲. ماسه، هانری، فردوسی و حماسه ملی، ترجمه مهدی روشن ضمیر، تبریز، انتشارات کمیته استادان دانشگاه تبریز، مهر ۱۳۵۰، ص ۲۲۹-۲۲۸.
۱۳. سرکاراتی، بهمن، بیان اساطیری حماسه ملی ایران، شاهنامه‌شناسی (۱)، تهران، انتشارات بنیاد شاهنامه فردوسی، شهریور ۱۳۵۷، ص ۱۰۴.
۱۴. نهج‌البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ دهم، ۱۳۷۶، ص ۱۲۱.



۱۵. ماسه، هانری، همان، ص ۲۰۳-۲۰۴.
۱۶. طالبیان، یحیی، همان، ص ۱۱۰-۱۰۹.
۱۷. مسکوب، شاهرخ، سوگ سیاوش (در مرگ و رستاخیز)، تهران، خوارزمی، چاپ پنجم، آبان ۱۳۵۷، ص ۸۷.
۱۸. همان، ص ۸۸.
۱۹. صفا، ذبیح‌الله، همان، ص ۲۴۹.
۲۰. ماسه، هانری، همان، ص ۲۴۵.
۲۱. ثروتیان، بهروز، بررسی فرّ در شاهنامه فردوسی، تبریز، انتشارات کمیته استادان دانشگاه تبریز، چاپ اول، مهر ۱۳۵۰، ص ۵۸-۵۶.
۲۲. همان، ص ۹۱.